

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال نهم- شماره دوم- تابستان ۱۳۹۵- شماره پیاپی ۳۲

معرفی کتاب بحیره فزونی استرآبادی

(ص ۱۴۸-۱۳۵)

علیرضا صالحی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

چکیده:

بررسیها نشان میدهد تاریخ نویسی در شیوه‌ها و سبکهای گوناگون آن، در قرون یازدهم و دوازدهم هجری رواج بسیاری داشته است. کتاب بحیره اثر میر محمد هاشم فزونی استرآبادی، از نویسندگان قرن دهم و یازدهم هجری قمری، از جمله آثار تاریخی، با رویکرد موضوعی است، که به لحاظ گستردگی و تنوع مطالب و سبک بیان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

موضوع بخش عمده‌ای از کتاب بحیره اختصاص دارد به مکارم اخلاق و عدالت، کرامات، خوارق عادت، خونریزها و جنگها، عبرتها، شکوهمندیها و جشنهای پادشاهان. بخش دیگری از موضوعات این کتاب، درباره حالات و حکایتهای مربوط به وزرا و برخی خاندانها و منجمین و اشراف و پهلوانان و سخاوتمندان است.

پرداختن به مباحث جغرافیایی از قبیل توصیف دریاها و نهرها و خشکیها و چشمه‌ها و کوهها و سنگها و بدایع و شگفتیهای طبیعی بخش دیگری از مباحث کتاب بحیره است. همچنین بیان نکاتی درباره مار، اژدها، درختان، امور بدیعه، غرایب تولدها، جن، پری، سگ، طلسمات و پرندگان و نیز مطالبی درباره شگفتیهای جزایر، عمارتها، وجه تسمیه بلدان و القاب و سایر موارد بخشهای پایانی این کتاب راتشکیل میدهد. کتاب بحیره از جمیع مرزبندی زمانی و مکانی برخوردار نبوده و علاوه بر نکات تاریخی، در قلمرو اسطوره‌ها و افسانه‌ها نیز وارد شده است.

کلمات کلیدی: فزونی استرآبادی، بحیره، تاریخ، سبک.

^۱ . دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

salehi.iau@gmail.com

مقدمه:

کتاب تاریخی بحیره، اثر گرانمایه میر محمد هاشم قزوینی استرآبادی از جمله آثار تاریخی قرن دهم و یازدهم هجری است که سه نسخه خطی از آن، یکی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی و دو دیگر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. این کتاب در سال ۱۳۲۸ ه.ق و بر پایه نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی به چاپ سنگی رسیده است.

در این مقاله ضمن معرفی کوتاه مؤلف، یعنی فزونی استرآبادی و اثر او کتاب بحیره، به برخی ویژگیهای سبکی و بیانی این کتاب تاریخی اشاره خواهد شد. مبنای نگارش این مقاله، پژوهشی است که مؤلف درباره بحیره و در قالب پایان نامه دکترای تخصصی خود به انجام رسانیده است. واقعیت این است در برابر گنجینه عظیم نسخ خطی موجود در ایران، هنوز آن گونه که باید و شاید، نهضتی فراگیر در عرصه نسخه پژوهشی و نسخه شناسی صورت پذیرفته و کارهای بر زمین مانده بسیار است. یکی از دلایل مهم این امر، کمبود شدید متخصص در این عرصه پهناوراست. جا دارد که با همت همه علاقه‌مندان و متخصصان حوزه نسخ خطی و همیاری مسئولان آموزش عالی کشور، رشته مستقل دانشگاهی و در قالبی کاملاً مهارتی برای تربیت نیروهای متخصص در زمینه نسخه شناسی، تصحیح و مقابله نسخ، در برخی دانشگاههای کشور ایجاد و از این راه گامی مؤثر در راه احیای میراث ارزشمند نسخ خطی برداشته شود.

نویسنده کتاب بحیره کیست؟

نویسنده کتاب بحیره در تذکره‌ها و دیگر آثاری که درباره این کتاب و مؤلفش سخنی آورده‌اند، متفاوت است. گروهی از تذکره‌ها نویسنده بحیره را میر محمود فزونی استرآبادی، برخی هاشم بیگ یا میرمحمد هاشم فزونی استرآبادی، برخی میرمحمد فزونی استرآبادی و ملافزونی استرآبادی والته منابعی هم به اشتباه فاحش عباسعلی تفرشی دانسته‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، مهمترین نکات برآمده از تذکره‌های فارسی را در چند بخش به ترتیب ذیل می‌آوریم.

۱. در کتاب تذکره میخانه، که در زمره نزدیکترین تذکره‌ها به زمان تألیف کتاب بحیره است و نویسنده آن یعنی ملاعبدالعینی فخر الزمانی قزوینی (۱۰۲۸) از جمله کسانی است که صاحب

کتاب بحیره را ملاقات کرده، درباره او چنین میگوید: نکته سنجی، سنجیده و آزاد مردی جهان دیده است. بعضی از اشعار او خالی از حالتی و ربتی نیست. منظومات کم دارد، اما تتبع نظم و نثر بسیار کرده، به تخصیص تواریخ و در آن قن مهارت تمام دارد. چنانچه در وقتی که این ضعیف مدارالعیش کشمیر رفت، فزونی در آنجا رحل اقامت انداخته بود و به تألیف کتابش اشتغال داشت. در آن بلده دلپذیر، آن تصنیف بی نظیر را به اتمام رسانید و نام آن نسخه بحیره گردانید. الحق که تاریخ را بسیار خوب دانسته و نوشته و در تحقیق اخبار، آنچه لازمه مورخست و تعلق به سیاق تاریخ دارد، دقیقه‌ای فرو گذاشت نکرده. نام آن نکته سنج متین، هاشم بیگ است و مولدش استرآبادست، (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵، ۶۷۴)

۲. در تذکره عرفات العاشقین ضمن معرفی میر محمود فزونی استرآبادی و میر محمد هاشم فزونی استرآبادی، درباره اینکه کدامیک از این دو صاحب کتاب بحیره است مطلبی آورده نشده است. صاحب عرفات العاشقین با میر محمود فزونی آشنایی و ارتباط داشته است چنانچه می‌گوید:

سرگشته وادی مجذوبی و مجنونی، میر محمود فزونی، سید زاده‌ای بود در کمال حسن صفا و ادراک از استرآباد. در بدایت حال به درس و بحث و کسب علوم اشتغال داشت، جزوگشی^۲ بسیار نموده بعضی از متداولات را نیکو گذرانید و ادراکی درست [و] عالی داشت و او را با کمینه و دیگر شعرا و فضلا غایت خصوصیت و آشنایی بود. قضا را جذبه‌ای به وی رخ نمود. بعد از آن همیشه در ته میدان عراق از دیوانگی میگردید و اعمال شنیعه قبیحه از وی به ظهور می‌رسیده؛ چه جنونش بر آن داشته بود که شپش خود را میخورد و میگفت که جواهر بدن خود را چرا ضایع کنیم و آنچه به گدایی به هم میرساند، به لوطی می‌داد که به فاعلیت خود قیام نماید و به این احوال شطرنج را چنان میباخت که از اکثر باران شطرنجی می‌برد؛ و قبل از جنون الحق از جمله شعرا و فضلائی مقرر شده بود. و در این ایام مسموع شد که به صحرای عدم مجنون وار شتافته. (عرفات العاشقین، ۱۳۸۹، ۳۲۷۳)

از این سخنان چنین بر می‌آید که میر محمود فزونی استرآبادی در اصل شاعر بوده و در نهایت کار او به جنون رسیده و هرگز سفری به هند نداشته است. در عین حال درباره میر محمد هاشم قزوینی چنین می‌گوید:

۲. کنایه از اکتساب علم و دانش

صاحب کمالی در غایت ذو فنونی، میر محمد هاشم فزونی؛ وی نیز استرآبادی است و پسر جلال الدین نقاش مدتی است که به هند آمده و چند گاه با صفدر خان بود و با او به کشمیر رفت. الحال نمی‌دانم کجاست.

عرفات العاشقین، ۱۳۸۹، ص ۳۲۷۴)

۳. در تذکره ریاض الشعرا درباره میر محمود فزونی استرآبادی این چنین آمده: حسن معنوی علاوه حسن صوری او گردیده بود. از علوم بهره‌ای داشت. شطرنج را خوب می‌دانسته و شکسته را خوش می‌نوشته است. آخر جذبه‌ای به وی رسیده، حرکات مجانین از وی ظهور داشته و همانجا رحلت کرد (تذکره ریاض الشعرا، ج ۳، ص ۱۶۳۸)

و همین تذکره، در معرفی میرمحمود فزونی سبزواری چنین آورده که وی در کرمان دده غیری را در صحبت شراب به کارد زده، کشت و گریخته و به اصفهان رفت. (همان، ص ۱۶۳۸) اما در هنگام معرفی دده غیری به اشتباه و بر خلاف آنچه در باره قتل وی توسط میر محمود فزونی سبزواری گفته است، قتل دده غیری را به میر فزونی استرآبادی نسبت می‌دهد. (تذکره ریاض الشعرا، ج ۳، ص ۱۵۳۷)

۴. در کتاب الذریعه آمده است که تاریخ بحیره فارسی است و در ایران چاپ شده و تألیف میرزا عبدالکریم عباسقلی قمی تفرشی است. این در حالی است که میرزا عباسقلی قمی تفرشی طابع و ناشر کتاب بحیره در سال ۱۳۲۸ و در قالب چاپ سنگی است. این اشتباه آشکاری است که در کتاب الذریعه رخ داده است.

۵. در کتاب صبح گلشن به جای میر محمود از میر محمد فزونی استرآبادی با ذکر همان تعاریفی که درباره میرمحمود فزونی در بیشتر تذکره‌ها آمده، نام برده شده است و این رباعی که تذکره‌ها آن را به میر محمود فزونی نسبت داده اند به میر محمد فزونی منسوب می‌کند. (صبح گلشن، ج دوم، ص ۶۷۹)

زین آب و گلت نه آفریدت ای حور آورده در آفریدنت خالــــق نــــور

خاک از مشک بهشت و آب از کوثر باد از عیسی و آتش از شعله طور

این میرمحمد مورد نظر صاحب تذکره صبح گلشن همان میرمحمود فزونی است، که به اشتباه میر محمد درج شده. در همین تذکره درباره میر هاشم استرآبادی هم آمده: پسر جلال نقاش است و پاکیزه طبع و معتدل مزاج نیکوفر و خوش تلاش.

۶. در تذکره روز روشن تنها از میر محمود فزونی استرآبادی نام برده و تنها اشاره کرد که میان او و فزونی سبزواری که تنها متحد الاسم و التخلص و العمر و العصر بودند، در شهر اصفهان اتحاد مکانی و مودت روحانی اتفاق افتاده. (تذکره روش ۱۳۴۳، ص ۶۲۶).
۷. در تذکره ریاض العارفین نیز تنها از میر محمود فزونی استرآبادی که هم عصر فزونی سبزواری بوده سخن رفته است. (ریاض العارفین، ۱۴۰۲، ص ۹۱)
۸. در فهرست کتابهای چاپی فارسی و در ذیل کلمه بحیره، ملا میر محمود فزونی استرآبادی را مؤلف این کتاب دانسته. (فهرست کتابهای چاپی، ۱۳۵۰، ج (۱)، ص ۶۹۶)
۹. در تذکره شعرای کشمیر در ذیل نام هاشم بیگ فزونی استرآبادی، به همان مطالب آمده در تذکره میخانه استناد شده است. (تذکره شعرای کشمیر، ۱۳۴۶ ش، ص ۱۰۹۲)
۱۰. در تذکره گلشن رضوان هم به همان مطالبی که در تذکره‌های میخانه و عرفات العاشقین درباره میر محمود و محمد هاشم فزونی استرآبادی آمده به صورت کوتاه اشاره کرده است. (گلچینی از گلشن رضوان، ج ۴، ص ۹۰، ۱۳۸۲)
۱۱. در کتاب مصنفات شیعه در ذیل دیوان فزونی استرآبادی آمده: از هاشم بیگ جلال (نقاش) فزونی استرآبادی، زنده در ۱۰۵۴ ق. نام او را محمود و محمد هم نوشته اند.
۱۲. در کتاب کاروان هند هم در ذیل نام فزونی همان مطالب ذکر شده در تذکره میخانه درباره میر محمد هاشم فزونی استرآبادی نقل گردیده. (کاروان هند، ص ۱۰۱۲، ۱۳۶۹)
۱۳. در دانشنامه ادبیات فارسی نیز در ذیل نام فزونی استرآبادی به معرفی میرمحمد هاشم بیگ فزونی استرآبادی پرداخته و سپس از ذکر ماجرای رفتن او به هند و به نزد صفدر خان می نویسد: ((در سال ۱۰۲۵ که صفدر خان از حکومت کشمیر برکنار شد، فزونی به همراه او به هند رفت. در لاهور از او جدا شد و راه دکن در پیش گرفت. در دکن به دربار ابراهیم عادل شاهی بیجاوری (۹۹۸-۱۰۳۵ ق) رفت. در اواخر عمر به ایران بازگشت و در اصفهان به بیماری مالیخولیا در گذشت. میان او و پیر محمد فزونی سبزواری که همنام او بود دوستی و پیوند عمیق و روحانی وجود داشت.)) (دانشنامه ادبیات فارسی، ص ۱۹۸۴، ج ۴، بخش ۳-۱۳۷۵) مطالبی که در دانشنامه ادبیات فارسی درباره میر هاشم فزونی استرآبادی آمده، آمیخته‌ای است از آنچه که در بیشتر تذکره‌ها درباره میرمحمد هاشم و میرمحمود فزونی استرآبادی آمده است.

۱۴. در شناسنامه نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی به شماره ۱۵۸۵۹، نام مؤلف کتاب بحیره، میرمحمد یا میرمحمد فزونی درج گردیده. در دو نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در شناسنامه نسخه شماره ۲۲۷۰، تنها نام کتاب درج گردیده و در شناسنامه نسخه ۱۱۴۱۵ عنوان کلی فزونی استر آبادی درج گردیده. در چاپ سنگی کتاب بحیره که به سال ۱۳۲۸ در تهران به چاپ رسیده، نام مؤلف میر محمد فزونی درج گردیده که ظاهراً مبنای ایشان نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی بوده است. با توجه به آنچه گفته شده، و بر پایه آنچه در تذکرات معتبر فارسی آمده، مؤلف کتاب بحیره، جناب میرمحمد هاشم فزنی استر آبادی است که علاوه بر کتاب تاریخ بحیره، کتابهای تاریخی دیگری مانند اللجین الطبری و فتوحات عادل شاهی هم به وی منسوب است. نکته دیگر اینکه از آنجایی که برخی تذکرها مانند تذکره عرفات العاشقین (ج ۵، ص ۳۲۷۴) نام کامل وی را میر محمد هاشم فزونی استر آبادی ذکر کرده‌اند، بعید نیست در تذکره‌هایی که از میر محمد فزونی استر آبادی نام برده‌اند، منظورشان همان میرمحمد هاشم فزونی استر آبادی بوده، که تنها بخشی از نام او یعنی میرمحمد را ذکر کرده‌اند.

موضوع و محتوای کتاب بحیره:

تاریخ نگاری از جمله گرایشهای شاخص و برجسته در بین نویسندگان قرن یازدهم و دوازدهم هجری است. دلایل این امر خود نیازمند بررسی و پژوهش مستقلی است. اما با نگاهی بر شرایط سیاسی- اجتماعی ایران و سرزمینهای فارسی زبان هند، در قرون یاد شده، این نکته آشکار میشود که رغبت و گرایشهای عمومی از یک سو و حمایتهای پادشاهان و حاکمان از سوی دیگر، دو دلیل عمده برای نگارش آثار تاریخی فراوان در قرنهای یازدهم و دوازدهم هجری است.

تاریخ بحیره از جمله آثار ارزشمند تاریخی این دوره است که از نظر محدوده زمانی و تنوع و گستردگی مطالب از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اگر چه این کتاب از نگاه کلی، جزء آثار تاریخی به شمار میرود، اما آن را یک اثر صرف تاریخی نمیتوان به حساب آورد. شیوه فزونی استر آبادی در تألیف کتاب بحیره، شیوه حکایاتی با رویکردی استنادی است. او بدون هیچگونه محدودیت زمانی و مکانی که معمولاً در بخش عمده‌ای از کتابهای تاریخی دیده میشود، مطالب تاریخی و گاه اسطوره‌ای و افسانه‌ای را به

همراه برخی نکات جغرافیایی و زیست محیطی و وجوه تسمیه نامها و جایها، در قالب حکایتها و روایت‌های کوتاه و در بسیاری از موارد با ذکر سند، بیان میدارد.

مجموعه مطالب این کتاب در چهل و چهار باب خلاصه میشود. فزونی کتاب خود را با مقدمه - ای در حمد و ثنای خداوند کریم و ذکر جلوه‌های شکوه و عظمت آفرینش الهی و سپس درود و سلام بر پیامبر اعظم^(ع) و وصف مقام شامخ نبوی آغاز میکند. پس از آن با ذکر حدیث معروف نبوی ((انا مدینه العلم و علی بابها)) ارادت خود را به وجود مبارک علی^(ع) و اهل بیت پیامبر^(ص) ابراز میدارد. در ادامه فزونی اقرار میکند که ابتدا در نظر داشته حالات گذشتگان از آدم تا خاتم تا زمان خود را به نگارش درآورد. اما به این دلیل که مورخان عرب و عجم و فضایل پیشین به گرد این مقامات گشته‌اند و هر یک از دیگری بهتر و نیکوتر پرداخته، از نیت خود بازگشته و نهایتاً: «حرف چندی که به این ترتیب استادان را به خاطر نرسیده بود و یاد کرده قلم ایشانست به ترتیبی که نموده میشود، بنابر چهل و چهار باب ایراد نموده و موسوم به بحیره گردانیده است»

فزونی در پایان مقدمه، در توصیف کتاب بحیره ابیاتی به ترتیب زیر آورده است:

ز هر طرف که شـناور شـوی در این دریا	بشو که لؤلؤ و مرجان در او چه بسیار است
مگـو بحیـره که چون قلزم است پهناور	مگـو بحیـره که همچون محیطش اقطار است
از این بحیـره به حیرت نشـانده‌ام دل را	بحیره نیست که بحری عظیم ز خار است
مبین به تصغیرش کز وی مراد تعظیم است	مخوان به تحقیرش کین نامه پر ز اسرار است
به روی صفحه زبس گونه‌گون بدایع اوست	گمان بری ز لطافت بیان افکار است

نکته سنجیها و آرایه پردازیهها و ظرافتهای بیانی فزونی در مقدمه و نیز ابیات نغزی که در پایان مقدمه آورده، به ذوق و توان ادبی و شعری وی میتوان پی برد. البته این ویژگی به مقدمه محدود نمیشود و در جای جای کتاب بحیره بخوبی آشکار است.

همانگونه که گفتیم کتاب بحیره شامل یک مقدمه و چهل و چهار باب است که گاه هر باب به چند فصل تقسیم میشود. فزونی در آغاز هر باب یا فصل، تمایل زیادی برای بیان مقدمه از خود نشان نمی‌دهد و پس از بیانی کوتاه، وارد مطلب اصلی میشود و با بیان حکایتها و روایت‌های کوتاه در چارچوب موضوع هر یک از بابها و فصلها، سخن خود را به سرانجام میرساند. پس از مقدمه، باب اول شامل دو فصل، یکی در مکارم اخلاق سلاطین کامکار و دیگری در عدالت خواتین والاتبار آورده شده است. از باب دوم تا هفتم، نکته‌ها و حکایتها حول محور

کرامات و خوارق عادات و تدابیر، غفلتها و ترک تازیها و خونریزیهای پادشاهان و شجاعت دلیران است. از باب هشتم حکایاتی دربارهٔ دور افتادن پادشاهان از خاندانهای قدیم و به مرکز قرارگرفتن به عون عنایت کریم، حالات بی‌طالغان و فرومایگان و جنگ‌های عظیم، عبرت الملوک و کیفیت قضا و قدر و فرستادن رسولان به اطراف و استقلال و شکوه سلاطین و جشنهای بزرگ آمده است. (باب هشتم تا چهارم)

باب چهاردهم و پانزدهم کتاب بحیره درباره حيله زنان و نیکنامی زنان سلطنت آیین است. باب شانزدهم که شامل پنج فصل است، درباره سخاوت اسخیا از قبیل برامکه، قآن خان، حاتم طالی، معن بن زایده، و سایر اسخیا از اکابر و بزرگان است.

باب هفدهم دربارهٔ عزیمت درست پادشاهان و سلاطین نامدار .

باب هجدهم دربارهٔ عشق طوایف انام .

باب نوزدهم که دو فصل دارد شامل نکاتی در باب فراست حیوانات و ذکر بخیلان .

از باب بیستم تا بیست و هفتم مطالب و حکایاتی با موضوع، غمز و سعایت، حافظه‌ی اشراف، اظهار نمودن لطیفه غیبی، حالات حکما، حالات اهل الله، حالات منجمین و وزرا آورده شده است.

بخش دیگر مطالب کتاب بحیره بیشتر جنبه جغرافیایی دارد. مطالب و روایت‌هایی دربارهٔ دریاها، نهرها، خشکیها، چشمه‌ها، کوه‌ها، سنگها، بدایع و شگفتیهای طبیعی. (باب بیست و هفتم تا سی چهارم)

از باب سی و پنجم تا سی و هشتم نیز مطالب کتاب بحیره جنبهٔ زیستی پیدا میکند و با بیان نکات و حکایتهایی دربارهٔ مار، اژدها، درختان، امور بدیعه، غرایب تولدات، جن، پری، سگ، طلسمات و پرندگان به فرجام میرسد. در باب چهل و سوم و چهل و چهارم نیز مطالبی در باب شگفتیهای جزایر، عمارتها، وجه تسمیه بلدان والقباب و خطابات آورده شده است.

معرفی کوتاه نسخه‌های خطی کتاب بحیره:

تا اکنون سه نسخه خطی از کتاب بحیره شناسایی شده است که عبارتند از:

۱. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۲۷۰ که بجز سیزده صفحه از آغاز کتاب و چند صفحه معدود در بخشهای دیگر کتاب و همچنین خوردگی‌هایی که در برخی صفحات وجود دانسته موجب ناقص شدن متن کتاب شده، تقریباً نسخه کاملی است. متأسفانه

چند برگ پایانی کتاب هم در دست نیست و به همین سبب نام نویسنده این نسخه و زبان نگارش آن مشخص نیست.

۲. نسخه خطی آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شماره ۱۵۸۵۹. این نسخه در بین سه نسخه موجود، کامل ترین نسخه است که از آغاز تا انجام متن موجود است. در پایان این نسخه آمده: ((فی تاریخ سلخ محرم الحرام سنه خمس و ثمانین و الف علی ید اقل عبادالله عملا و اکثرهم ذللا ابن حاجی قاسم سبزواری محمد حسب الفرموده صاحبی حقیقی حاجی غلام محمد صولوفی یا (صلونفی) ویا (صلونفی) نوشته شده.))

خط آن نسخه اگر چه به زیبایی خط در دو نسخه دیگر نیست، اما کاملاً خوانا است و مشکلی را برای خواننده به وجود نمی‌آورد. هرچند که به نظر میرسد عده‌ای که وظیفه انجام چاپ سنگی کتاب بحیره در سال ۱۳۲۸ را برعهده داشته‌اند، و نام آنها در مقدمه چاپ سنگی آمده بر روی برخی واژگان و عبارتهای این نسخه خط کشیده و واژه‌ها و تعابیر مورد نظر خود را درج کرده، در حاشیه نسخه نوشته و در پایان هر بخش، نام و امضای خود را به صورت عباس، ع ب، ن ق، ق و ... آورده‌اند. خاطر نشان می‌سازد چاپ سنگی بحیره به همت عبدالکریم بن عباسعلی القمی التفرشی و با معاضدت جناب حاج شیخ عباسعلی واعظ و جناب آقا سید اسدالله روضه خوان و آقا میرزا محمد ابراهیم صراف در عهد احمد شاه قاجار در شوال ۱۳۲۸ به فرمان آقا شیخ عبدالکریم واعظ، مؤسس مدرسه معارف اسلامیة تهران طبع گردیده.

۳. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۸۹۵۵۳. این نسخه اگر چه از خط بسیار زیبایی برخوردار است، اما از چهل و چهار باب کتاب بحیره تنها بیست و نه باب آن موجود است که در این مقدار باقیمانده هم‌افتادگیهای بسیاری دیده میشود. گویی این نسخه از روی نسخه‌ای نوشته شده که بخشهای بسیاری از آن از بین رفته و نویسنده هم هر آنچه در اختیارش بوده را تحریر و با خالی گذاشتن قسمتهای افتاده یا ناخوانا، مطالب باقیمانده را در معرض دید خواننده قرار میدهد.

مستندات کتاب بحیره:

فزونی استرآبادی در بیشتر حکایتهای و روایت‌های تاریخی و توصیفها و تعریفهایی که در کتاب بحیره بیان داشته، خود را به بیان منابع و مآخذ مقید ساخته است.

با مروری بر بخشهای مختلف کتاب بحیره در می‌یابیم که فزونی در تدوین کتاب بحیره، بخش عمده‌ای از منابع مهم تاریخی، جغرافیایی، علمی و ادبی را مورد مطالعه قرار داده و از هر اثر مطالبی را گزینش و بازبان و سبک بیانی خود، به نقل آن پرداخته است. با بررسیهای صورت گرفته فزونی در بیان بخشی از منابع در کتاب بحیره دچار اشتباه شده و مطالب آورده شده با منابعی که معرفی کرده مطابقت ندارد. این امر نشان می‌دهد در این عرصه بیشتر از حافظه خود بهره برده و آنچه را به یاد داشته بیان کرده و هر مطلب را در هنگام بیان با سند آن تطبیق نکرده است.

کتاب بحیره در آثار نویسندگان و محققان، به عنوان یکی از منابع مهم تاریخی، تا کنون مورد توجه بسیاری از محققان و نویسندگان قرار گرفته و مطالب آن مورد استناد و نقد آنان بوده است. از جمله آثار مطرحی که تاکنون به مطالب کتاب بحیره استناد کرده و یا نقدی دربارهٔ مطالبی از آن کتاب ارائه داده اند، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی: (ج ۶، ص ۷۲) و (ج ۳، ص ۶۸۳)
۲. درس هیئت و دیگر رشته های ریاضی، آیت الله حسن زاده آملی: (ج ۱، ص ۱۹۹)
۳. تعلیقات نقض، عبدالجلیل قزوینی: (ج ۲، ص ۱۳۰۶)
۴. مقدمه نقض و تعلیقات آن، جلال‌الدین محدث: (ج ۱، ص ۴۰)
۵. مقدمه تذکره الاولیاء عطار، به تصحیح محمد استعلالی: (ص ۲۳)
۶. ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند، ذبیح الله محلاتی: (ج ۲، ص ۳۷۳)
۷. حافظ خراباتی، رکن‌الدین همایونفرخ: (ج ۲، ص ۳۹۲)
۸. مقدمه کلیات فخر‌الدین عراقی، به تصحیح سعید نفیسی: (ص ۲۲)
۹. مقدمه منطق الطیر (مغرب)، جمعه بدیع محمد (قاهره): (ص ۱۳)

مذهب:

با توجه به شرایط مذهبی حاکم بر عهد صفوی و استقرار مقتدرانه شیعی و بر پایه ابراز ارادتهای مکرر جناب فزونی استرآبادی، نسبت به پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت آن حضرت، بویژه حضرت امیرالمومنین علی (ع)، بی‌شک مذهب وی شیعه اثنی عشری است. در این زمینه به ذکر دو نمونه بسنده میکنیم.

برگزیده‌ای که شب وصال از حضرت ذوالجلال چندان علم آموخت که بر هر که خواست آموخت، چنانچه در مقام افتخار میفرماید که: ((انا مدینه العلم و علی بابها)) صلوات و اقیات بر آل و اصحاب او که مروج مذهب غراء اندباد. بحق النبی و آله الامجاد. (نسخه خطی، برگ ۲، ص ۱)

عمار ساباطی که یکی از اکابر است روایت کرده که انگشتری که حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوه العلی الکبیر تصدق نمودند، آن انگشتر را نگینی بود شش مثقال.

آثار:

بجز کتاب بحیره اثر دیگری که به فزونی استر آبادی منسوب است، کتاب فتوحات عادلشاهی است. نویسنده این کتاب فزونی استرآبادی در عصر ابراهیم عادل شاه دوم به بیجار وارد شده، در زمرهٔ مرزنشینان درباری درآمد. محمد عادل شاه که به توان هنری، ادبی و تاریخی وی پی برده بود او را به نگارش تاریخی از عادل شاهیان مأمور کرد. وی کتاب خود را در سال ۱۴۰۲ ق/۱۶۴۲ م به انجام رسانید. این کتاب بر مبنای حوادث تاریخی تدوین و به شش فصل تقسیم شده است. چهار فصل نخست کتاب در خصوص حوادث عصر شش شاه نخستین سلسله و دو فصل آخر در خصوص حوادث عصر ابراهیم عادل شاه دوم و محمدشاه است. از آنجا که نویسنده خود شاهد حوادث این عصر بوده، گزارشهای او اهمیت ویژه‌ای دارد و میتواند به عنوان منبعی مورد اطمینان مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ روابط خارجی عادل شاهیان دارد. و حوادث رخ داده بین بیجاپور، تیموری، احمد نگر، ویجی نگر و قطب شاهیان را به خوبی ترسیم میکند. شیوه نگارش این کتاب چون دیگر تاریخهای هند که به فارسی نگاشته شده، با رعایت اسلوب سنگین ادبی است. اصل کتاب در موزه انگلیس است، اما متن اردو، فارسی و انگلیسی آن در هند به چاپ رسیده است. (نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۵۲۸۹)

اثر دیگری که به فزونی نسبت داده شده، کتاب اللجین الطبریه است که تا کنون نشانی از آن در دست نیست. (دانشنامه زبان فارسی، ۱۹۸۴)

همانگونه که میدانیم در کتاب تاریخ نویسی شعر نیز میسروده و ساقی‌نامه او برای شاه عباس سروده و در تذکره‌ها آمده از جمله آثار معروف شعری اوست. با این حال بجز اشعار پراکنده آمده در تذکره‌ها، دیوان شعری مستقلی از او به جای نمانده است.

نتیجه:

- با مروری کوتاه بر مطالبی که در این مقاله بیان گردید، مهمترین نتایج بدست آمده را می‌توان در چند بخش به شرح ذیل خلاصه نمود:
۱. برخی منابع تاریخی، نام نویسنده کتاب بحیره را میر محمود استرآبادی ذکر کرده‌اند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و بر مبنای دلایل موجود که به برخی از آنها اشاره گردید، نویسنده کتاب بحیره میر محمد هاشم فزونی استرآبادی است. البته در برخی از منابع از میر محمد فزونی استرآبادی هم نام برده شده که بی‌شک منظور همان میر محمد هاشم فزونی استرآبادی است.
 ۲. کاملترین و قدیمیترین نسخه کتاب بحیره، بر پایه نسخه‌های خطی موجود این کتاب در ایران، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۵۸۵۹ است و کاتب آن شخصی به نام صلو نفی، صلونگی یا صلوفعی است که در سال ۱۰۸۵ ه. ق کتابت بحیره را به انجام رسانیده. علاوه بر این نسخه دو نسخه دیگر این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، یکی به شماره ۸۹۵۵۳ و دیگری به شماره ۲۲۷۰ موجود است.
 ۳. کتاب بحیره، شامل مجموعه حکایات تاریخی، اسطوره‌ای و افسانه‌ای، در چارچوب مقوله‌ها و موضوعات متنوع است. علاوه بر این فزونی به برخی نکات تاریخی، جغرافیایی، زیست محیطی و وجوه تسمیه نامها و جایها در کتاب بحیره اشاره کرده و اطلاعاتی در باب زمینه‌های یاد شده در اختیار خوانندگان قرار میدهد.
 ۴. مطالب کتاب بحیره در قالب زمانی، مکانی و موضوعی خاص محدود نمیشود و نویسنده به تناسب موضوعی که در هر باب و فصل انتخاب نموده، روایتهای، نقل قولها و اشارتهای تاریخی را بدون در نظر گرفتن زمان یا مکان وقوع آن بیان میدارد.
 ۵. فزونی در بیان بخش عمده‌ای از حکایتهای و روایتهای منبع و مأخذ هر حکایت و روایت را بیان داشته است. با بررسی‌های صورت گرفته بخشی از استنادات فزونی اشتباه بوده و در این موارد ظاهراً وی بیشتر به تصورات ذهنی و محفوظات خود تکیه کرده است.
 ۶. بجز کتاب بحیره تألیف کتاب‌هایی نظیر دیوان اشعار، اللجین الطبریة و فتوحات عادل شاهی نیز به فزونی استرآبادی نسبت داده شده است.
 ۷. با توجه به برخی مستندات موجود در متن کتاب بحیره، مذهب جناب فزونی استرآبادی شیعه اثنی عشری است.

منابع و مأخذ:

۱. بحیره نسخه خطی، فزونی استر آبادی، میر محمد هاشم بیگ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره ۱۵۸۵۹.
۲. بحیره نسخه خطی، فزونی استر آبادی، میر محمد هاشم بیگ، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۹۵۵۳.
۳. بحیره نسخه خطی، فزونی استر آبادی، میر محمد هاشم بیگ، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۲۷۰.
۴. تاریخ اجتماعی ایران، راوندی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۵. تذکره میخانه، فخر الزمان قزوینی، ملا عبد النبی، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
۶. تعلیقات نقض، قزوینی، عبد الجلیل، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۸۵.
۷. تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی، علیقلی، مقدمه و تصحیح سید محمد محسن ناجی نصر آبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
۸. تذکره صبح روشن، مولوی محمد مظفر حسین صبا، تصحیح محمد حسین رکن زاده آدیست، تهران، انتشارات کتابخانه رازی، ۱۳۴۳.
- تذکره شعرای کشمیر، راشدی، سید حسام الدین، اقبال آکادمی کراچی، ۱۳۴۶ خورشیدی.
۹. حافظ خرابانی، همایون فرخ، رکن الدین، بی جا، ۱۳۶۱.
۱۰. دانشنامه زبان فارسی، انوشه، حسن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۱. دروس هیئت و دیگر رشته های ریاضی، حسن زاده آملی، حسن، قم، بوستان کتاب ۱۳۷۸.
۱۲. ریاض العارفین، آفتاب رانی لکهنوی، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۱ شمسی.
۱۳. ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، محلاتی، ذبیح الله، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
۱۴. سید علی حسن خان، بهو پالی، تذکره صبح گلشن، به تصحیح مجتبی برز آبادی فراهانی، تهران، انتشارات اوستا فراهانی متخلص به سلیم.
۱۵. عرفات العاشقین و عرصات العارفین، اوحدی، تقی الدین محمد، به تصحیح ذبیح الله صاحب کاری و آمنه فخر احمد، تهران، میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۱۶. فتوحات عادل شاه‌ی، فزونی استر آبادی، میر محمد هاشم بیگ، نشخه خطی، کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۵۲۸۹.
۱۷. فهرست کتابهای چاپی، مشار، خان بابا، تهران، ۱۳۵۰.
۱۸. کاروان هند، گلچین معانی، احمد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۹. کلیات اشعار، عراقی، فخر الدین، به تصحیح سعید نفیسی، تهران سنایی، ۱۳۶۳.
۲۰. گلچینی از گلشن رضوان، فتحی، کاظم، تهران، انتشارات انسان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۱. مصنفات شیعه، محمد محسن، آقا بزرگ تهرانی، ترجمه و تلخیص، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۲۲. مقدمه نقض و تعلیقات آن، محمد شاه، جلال الدین، تهران، ۱۳۳۳.
۲۳. منطق الطیر (مغرب)، جمعه، محمد بدیع، قاهره، هیئة المصریه العامه للکتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۴. منطق الطیر، عطار نیشابوری، فرید الدین، به تصحیح محمد استعلامی، تهران، زوآر، ۱۳۸۶.
۲۵. مورخان ایرانی دکن، خدایی، محمدزمان، فصلنامه علمی تخصصی تاریخ درآیینة پژوهش، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸

Archive of SID